

Examining the Possibility and Manner of Governmental Compensation for Damages to Victims of Terrorism

*Saber Najari**, *Mokhtar Naam***, *Parvin Akbarineh**** and *Rahim Vakilzadeh*****

| | | | | |
|------------------|-----------------------------|----------------------------|--|---------------|
| Research Article | Receive Date: 2024.05.24 | Accept Date: 2025.03.17 | Online Publication Date: 2025.03.17 | Page: 233-253 |
|------------------|-----------------------------|----------------------------|--|---------------|

Based on the principle of personal liability for damages, whoever causes harm must compensate for the inflicted damage. Additionally, in cases such as terrorist actions where a wide segment of society may suffer physical or financial losses, determining the responsible party and the basis of liability becomes particularly important. In practice, due to various reasons—including the fact that the perpetrator is unidentified or perishes during a suicide operation—the necessity of compensating victims of such incidents arises, leading to discussions about the government's role in compensation. In this regard, several questions are raised: Firstly, can the government be held liable for such incidents? Secondly, on what basis is this liability established? Can common bases in civil liability, such as fault theories, risk, or right guarantee, be helpful, or should other bases be sought to explain the government's liability? Therefore, the authors of the article, through induction in laws and utilizing principles and rules of Islamic jurisprudence, attempt to analyze and adapt the subject and identify a practical basis in Iranian law. Ultimately, by examining the law of France (which has adopted an efficient legal system for compensating victims of such damages), they provide suggestions and solutions for Iranian law.

Keywords: *Civil Liability; Social Liability; Civil Liability of the Government; Terrorism; Victim*

* PhD Student in Private Law, Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran;
Email: saber.najari@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran
(Corresponding Author); Email: mneam@ut.ac.ir

*** Assistant Professor, Department of Law, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran;
Email: pakbarineh@iau.ahar.ac.ir

**** Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran; Email: r.vakilzade@bonabian.ac.ir

Majlis and Rahbord, Volume 32, No. 124, Winter 2026

How to cite this article: Najari, S., Mokhtar Naam, Parvin Akbarineh and Rahim Vakilzadeh (2026). "Examining the Possibility and Manner of Governmental Compensation for Damages to Victims of Terrorism", *Majlis and Rahbord*, 32(124), p. 233-253.

doi: 10.22034/MR.2025.16857.5814

بررسی امکان و چگونگی جبران دولتی خسارات زیان دیدگان تروریستی

صابر نجاری،* مختار نعم،** پروین اکبرینه*** و رحیم وکیل زاده****

| | | | | |
|-------------------|--------------------------|-------------------------|--------------------------|---------------------|
| نوع مقاله: پژوهشی | تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷ | شماره صفحه: ۲۳۳-۲۵۳ |
|-------------------|--------------------------|-------------------------|--------------------------|---------------------|

براساس اصل شخصی بودن جبران خسارات، هرکس عامل زیان باشد باید مسئولیت زیان وارده را برعهده گیرد. همچنین در مواردی از قبیل اقدام‌های تروریستی که ممکن است قشر وسیعی از جامعه متحمل خسارات جانی یا مالی شوند، تعیین مسئول و مبنای مسئولیت اهمیت خاصی می‌یابد. در عمل به علل مختلف از جمله به لحاظ اینکه عامل زیان مشخص نیست یا خود حین اقدام انتحاری از بین می‌رود، بحث لزوم جبران خسارات زیان دیدگان این قبیل حوادث مطرح و در نتیجه از نقش دولت در جبران خسارات صحبت به میان می‌آید که در این راستا چندین پرسش مطرح می‌شود؛ اولاً: آیا می‌توان برای دولت در قبال چنین حوادثی مسئولیت قائل شد و ثانیاً: این مسئولیت بر چه مبنایی استوار است؟ آیا مبنای مرسوم در خصوص مسئولیت مدنی از قبیل تئوری‌های تقصیر یا خطر یا تضمین حق می‌تواند راه‌گشا باشد، یا باید به دنبال سایر مبنای در جهت تبیین مسئولیت دولت بود؟ از این‌رو نگارندگان مقاله با استقرا در قوانین و بهره‌گیری از اصول و قواعد فقهی سعی در تحلیل و انطباق موضوع و شناسایی مبنایی کاربردی در حقوق ایران دارند که در نهایت با بررسی حقوق کشور فرانسه (که در زمینه جبران خسارات این قبیل زیان دیدگان سیستم حقوقی کارآمدی را اتخاذ کرده‌اند) به ارائه پیشنهاد و راهکار در حقوق ایران پرداخته‌اند.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت مدنی؛ مسئولیت اجتماعی؛ مسئولیت مدنی دولت؛ تروریسم؛ زیان دیده

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران؛

Email: saber.najari@gmail.com

** استادیار گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: mneam@ut.ac.ir

*** استادیار گروه حقوق، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی اهر، ایران؛

Email: pakbarineh@iau.ahar.ac.ir

**** دانشیار گروه فقه و مبنای حقوق اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، ایران؛

Email: r.vakilzade@bonabian.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و دوم، شماره یکصد و بیست و چهارم، زمستان ۱۴۰۴

روش استناد به این مقاله: نجاری، صابر، مختار نعم، پروین اکبرینه و رحیم وکیل زاده (۱۴۰۴). «بررسی امکان و چگونگی جبران دولتی خسارات زیان دیدگان تروریستی»، مجلس و راهبرد، ۳۲(۱۲۴)، ص. ۲۳۳-۲۵۳.

doi: 10.22034/MR.2025.16857.5814

مقدمه

حملات تروریستی طی تاریخ حیات بشر همواره خسارات و آسیب‌های مادی، معنوی و جانی فراوانی را به مردم بی‌گناه تحمیل کرده است. پس از وقوع حوادث تروریستی توجهات معطوف به عامل حادثه تروریستی و مجازات وی و برخورد با طراحان حادثه زیان‌بار است و در برخی موارد زیان و آسیب‌وارده به آسیب‌دیدگان حوادث تروریستی که به حق از بی‌گناه‌ترین و مظلوم‌ترین انسان‌ها هستند نادیده انگاشته می‌شود. با وقوع حوادث تروریستی به زیان‌دیدگان خسارات زیادی تحمیل می‌شود. مواردی از قبیل بی‌گناهی محض زیان‌دیدگان، عدم امکان دسترسی به عاملان اصلی ورود خسارت به لحاظ متواری بودن یا کشته شدن، میزان بالای زیان‌دیدگان که شامل اقشار مختلف جامعه از جمله زنان و کودکان و اشخاص سالخورده است و سازمان‌یافتگی و غیرقابل‌اندازه‌گیری بودن زیان‌های مادی و معنوی از این قبیل است. معمولاً دولت‌ها در عمل پس از وقوع حوادث تروریستی کمک‌هایی را به زیان‌دیدگان این حوادث می‌کنند و به دنبال آن این سؤال مطرح می‌شود که آیا دولت اساساً مسئولیتی در قبال جبران خسارت زیان‌دیدگان دارد و اگر پاسخ مثبت است، مبنای این مسئولیت چیست؟ آیا مبنای مرسوم مسئولیت مدنی از قبیل تئوری‌های تقصیر و خطر و غیره کارآمد است یا باید به دنبال مبنای دیگری بود.

بنابراین می‌توان به دو مبنا قائل بود؛ براساس مبنای اول که بر توجیه مسئولیت براساس مبنای مسئولیت مدنی است؛ به دلیل اینکه دولت هیچ رابطه‌ای با عامل ترور ندارد و رابطه سببیتی بین زیان‌وارده و اقدام دولت قابل احراز نیست، بنابراین دولت مسئول جبران خسارت نخواهد بود. براساس مبنای دوم که مبتنی بر تکلیف اجتماعی دولت است، برخلاف مبنای اول به احراز رابطه سببیت بین عامل زیان و ضرر نیاز نبوده و دولت از باب تکلیف اجتماعی و وظایف حاکمیتی خویش در قبال شهروندان، به جبران خسارت مکلف است. این مبنا که در قالب نظریات و تئوری‌هایی همچون دولت مسئول و دولت رفاه و اصل انتظار مشروع شهروندان از دولت قابل بررسی و تحلیل است، در فقه اسلامی نیز مسبوق به سابقه بوده و مواردی نیز از آن در قوانین

به چشم می‌خورد. هرچند نگارندگان درصدد بررسی تطبیقی نیستند، اما با بررسی اقدام‌های حمایتی کارآمدی که در برخی کشورها برای حمایت از زیان‌دیدگان حوادث تروریستی وجود دارد، از بُعد تطبیق و مقارنه به بررسی نقاط ضعف و قوت نظام حقوقی پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم مسئولیت مدنی دولت

مسئولیت مدنی دولت ترکیبی از دو واژه مسئولیت مدنی و دولت است. مسئولیت مدنی را به تعهد قانونی شخص مبنی بر رفع ضرری که به دیگری وارد شده است، خواه این ضرر ناشی از تقصیر شخص یا ناشی از فعالیت او باشد تعریف کرده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳: ۶۴۴) و دولت به معنای خاص همان قوه مجریه در رده‌های سیاسی فوقانی نظیر رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، هیئت دولت و مدیران اجرایی کشور است (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۶۸: ۱۲۴) و به معنای عام، مترادف با حکومت است و شامل تمام قوای سه‌گانه و نهادهای حاکمیتی و عمومی می‌شود و صف بارز دولت به مفهوم عام حاکمیت است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۴۱).

گفتنی است در بیان مسئولیت مدنی دولت می‌توان گفت الزام دولت نسبت به شخص زیان‌دیده در پرداخت غرامت که ناشی از عمل غیرقانونی منتسب به دولت یا این عمل غیرقانونی او (دولت) بود یا تکلیف دولت است، به پرداخت غرامت زیان‌دیده که به موجب قانون مقرر شده است (زرگوش، ۱۳۸۹: ۴۳).

در حقوق ایران ماده (۱۱) قانون مسئولیت مدنی مصوبه سال ۱۳۳۹ زمانی دولت را به جبران خسارات وارده به اشخاص ملزم کرده است که تقصیر منتسب به دولت باشد و تقصیر براساس تعریف قانونی اعم از تعدی و تفریط است (ماده ۹۵۳ قانون مدنی). پس بر این اساس وجود یا عدم تقصیر، علت مسئولیت یا عدم مسئولیت است و هرگاه علل مختلفی سبب ورود خسارتی شود باید به دنبال عاملی بود که مقصر است (ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی). ماده (۱) قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ به‌عنوان یک اصل در این خصوص مقرر می‌دارد: «هرکس بدون مجوز قانونی

عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگر می‌شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

امروز با اینکه اصل مسئولیت مدنی دولت مورد پذیرش واقع شده است بحث گسترش دامنه آن مطرح است، یکی از مصادیق گسترش دامنه مسئولیت مدنی دولت در بحث جبران خسارات وارده به زیان‌دیدگان حوادث تروریستی است که مبنای مرسوم مسئولیت مدنی از قبیل تئوری‌های تقصیر و خطر و غیره در این خصوص راهگشا نیست، چراکه برای تحقق مسئولیت مدنی احراز ارکان مسئولیت مدنی یعنی ضرر فعل زیان‌بار و رابطه سببیت میان عمل زیان‌بار و ضرر ضروری است. این سه شرط را می‌توان شروط ثابت مسئولیت مدنی دانست زیرا وجود آنها برای تحقق مسئولیت مدنی ضرورت دارد (باریکلو، ۱۳۹۳). یافتن مبنای مسئولیت مدنی دولت در قبال حوادث تروریستی براساس ارکان فوق‌الذکر و بر فرض اثبات رابطه سببیت بسیار دشوار است، همچنین به نظر می‌رسد مسئولیت مدنی دولت در قبال جبران خسارت زیان‌دیدگان آن حوادث تروریستی را نمی‌توان بر مبنای مسئولیت ناشی از فعل غیر تحلیل کرد. از یک نگاه سنتی، مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر، استثناست و مواد قانونی که به مسئولیت ناشی از فعل غیر اختصاص یافته، در هر رژیم حقوقی مشخص است (Martini and Losfeld, 2000: 92) چراکه مسئولیت اخیر در فرضی است که شخص مسئول فعل دیگری باشد و طبعاً با وجود محل تردید بودن رکن رابطه سببیت در مسئولیت مدنی دولت نسبت به اقدام‌های تروریستی امکان استناد به مسئولیت ناشی از فعل غیر نیز غیرممکن خواهد بود چه اینکه در این زمینه عمده‌تأ سه وضعیت متصور است:

۱. شخصی به جهت وضعیت خاص دیگری به مراقبت از وی مکلف است که در

صورت تقصیر مسئول پرداخت است مثل ماده (۷) قانون مسئولیت مدنی؛

۲. شخصی روی فعالیت دیگری دارای کنترل و نظارت است مثل ماده (۱۲) قانون

مسئولیت مدنی؛

۳. هنگامی که در یک قرارداد اجرای تعهدات متعهد قانوناً یا حسب قرارداد برعهده دیگری است مثل ماده (۲۴) شرایط عمومی پیمان (زین‌الدینی، ۱۳۹۸: ۶۳) و بدیهی است که پذیرش مسئولیت بی‌سبب دشوار است (جعفری‌تبار، ۱۳۹۴: ۵۹۵). اکنون که ناکارآمدی مبانی سنتی مسئولیت مدنی در راستای احراز و انتساب مسئولیت به دولت در جبران خسارت زیان‌دیدگان حوادث تروریستی آشکار شد، لازم است مبنای دیگری را برای مسئول قلمداد کردن دولت مطرح شود. این مبنا که براساس تکلیف اجتماعی دولت در قبال شهروندان قابل‌توجیه است موضوع مبحث بعدی است. دگرگونی‌های مبانی مسئولیت مدنی دولت (حرکت ازسوی مسئولیت مدنی به مسئولیت اجتماعی) تئوری‌ای است که در گفتمان‌های جدید در زمینه مسئولیت مطرح می‌شود. نخستین مبنای این دگرگونی بر این قاعده استوار است که معتقد به حق شهروند بر حق حاکمیت (دولت) برتر است (زرگوش، ۱۳۸۹: ۳۲۱). با نگاهی بر تحولات فلسفه و اندیشه سیاسی و حقوقی بر دگرگونی یادشده می‌توان رسید. درواقع، سرخط‌هایی همچون: جامعه‌سازی خطرناک و اداره مشتری‌محور که تلاش می‌کند دولت را یک بنگاه اقتصادی خصوصی معرفی کند و همچنین اندیشه دولت رفاه و اصل همبستگی اجتماعی و ... دلالت بر این دگرگونی دارد.

۲. تحلیل مسئولیت دولت براساس مبانی اجتماعی و فلسفی

مقصود از مسئولیت اجتماعی که در این پژوهش به کار رفته است مسئولیت دولت در قبال تکلیف و وظیفه‌ای است که برعهده دارد بدون اینکه ماهیت مسئولیت دین باشد. محمدجعفر جعفری لنگرودی اصطلاح مسئولیت مدنی اجتماعی را در مفهوم مشابه و در مقابل مسئولیت فردی به کار برده؛ ایشان در این خصوص مرقوم فرموده: مسئولیت مدنی اجتماعی مبنایی است حقوقی که به‌موجب آن از محل وجوه که از مردم توسط دولت به‌عنوان مالیات یا مؤسسه‌های خصوصی به‌عنوان بیمه گرفته می‌شود خساراتی که اشخاص به هم وارد می‌کنند، جبران می‌کنند (جعفری

لنگرودی، ۱۳۸۶: ۶۴۵). اگرچه در بدو امر تصور جبران خسارت از سوی دولت امری خوب و ای بسا ضروری به نظر آید اما شناسایی مبنای آن خود امری ضروری است. طرفداران مبنای مسئولیت اجتماعی نظریات متعددی را به عنوان مبنای شناسایی مسئولیت دولت در خصوص جبران خسارات غیرمنتسب به دولت مطرح کردند که در ادامه به بررسی مبنای و تحلیل آنها پرداخته می شود.

۱-۲. تئوری دولت رفاه

تئوری دولت رفاه بیانگر تکلیف دولت در قبال تأمین رفاه برای اشخاص نیازمند است. طبق تعریف برخی نویسندگان، دولت رفاه عبارت از «نظامی است که نسبت به محفوظ ماندن سطح زندگی در دوران پیری و حقوق از کارافتادگی افراد، تولید و توزیع و فراهم آوردن بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و مسکن متعهد باشد یا آنها را تسهیل کند» (فولادی، ۱۳۸۷: ۳) یا مجموعه سازمان یافته‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که در قالب مؤسسه‌های رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد (زاهدی اصل، ۱۳۸۱: ۱۶).

براساس این تئوری دولت به حمایت از اقشار و گروه‌های ناتوان در جامعه موظف است و در عمل بدان معناست که هیچ کس بدون درآمد نمی تواند زندگی کند. لذا دولت همه کسانی را که به نحوی از انحا و بنا بر هر دلیلی به تأمین هزینه‌های خود قادر نیستند، کمک‌های نقدی می کند. بدین ترتیب دولت یا با تضمین یک حداقل درآمد ثابت (به عنوان مثال حقوق بیکاری و بیمه سالخوردگی) یا کمک‌های نقدی دیگر، در هنگام سوانح کاری، ناتوانی جسمی و روحی، بیماری، سالخوردگی و فشارهای اقتصادی و ناتوانی در امرارمعاش موقعیت افراد را تضمین می کند (رحیق اغضان، ۱۳۸۴: ۴۰۳). بر این اساس دولت از لحاظ اجتماعی به تأمین حداقل نیازهای اقشار آسیب پذیر در جامعه موظف است که قربانیان حوادث تروریستی هم بخشی از آنان هستند. از نگاه برخی اندیشمندان تئوری دولت رفاه از اصول قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران قابل برداشت است؛ اصولی همچون بند «۲» و «۱۲» از اصل سوم و اصل بیست‌ونهم قانون اساسی که درخصوص حق بهره‌مندی از آموزش و پرورش رایگان ایجاد رفاه و رفع فقر و محرومیت‌زدایی در زمینه‌های مختلف تغذیه، کار، بهداشت و مسکن و غیره دلالت می‌کند (حبیب‌نژاد و سلمانی، ۱۳۹۹: ۶۷).

۲-۲. تئوری اصل انتظار مشروع

در یافتن مبنای اجتماعی و اخلاقی در جهت مسئولیت دولت می‌توان به اصل انتظار مشروع شهروندان از دولت نیز استناد کرد. تحول مفهوم دولت به‌ویژه در قرن بیستم ماهیت ارتباط میان مقامات اداری و شهروندان را دگرگون کرده است. از آنجاکه هدف از ایجاد دولت، کمک به افراد انسانی در جهت تسهیل و تسریع نیل به حق برخورداری مردم از حداقل زندگی شایسته است، بنابراین تصمیم‌ها و اقدام‌های دولت و قانونگذاری باید اولاً در راستای نیل به اهداف و خواسته‌های عمومی اتخاذ شود تا مقبول و مطلوب شهروندان باشد و ثانیاً درجه‌ای از ثبات و قطعیت حقوقی داشته باشد تا با امکان قابلیت اتکا ضمن جذب اعتماد شهروندان، عدول از آن به‌سادگی ممکن نشود. بر این اساس، احترام به انتظارات و توقعات شهروندان، بخشی از فرایند تکاملی به‌سوی جامعه‌ای عقلانی‌تر، عادلانه‌تر و برخوردار از اداره بهتر است که بی‌توجهی به آن، ضمن آنکه افراد را در معرض قدرت خودسرانه سیاسی قرار می‌دهد، آثار و عواقب اجتماعی ناخوشایندی دارد.

بر این اساس، انتظارات مشروع شهروندان باید مورد حمایت حقوقی قرار گیرد، زیرا در غیر این صورت اشخاص متکی به این انتظارات، زیان و خسران خواهند دید. به عبارت بهتر، آزادی عمل افراد در فرایند اخذ تصمیم و بیان اعلام تا آنجاست که به ایراد صدمه و لطمه به سایرین منجر نشود. بنابراین، تعهدی کلی بر منع ایراد لطمه به دیگران وجود دارد و لذا ورود هرگونه صدمه قابل اجتناب به اشخاص، غیرقابل تحمل و غیرقابل پذیرش است. زمینه حمایت حقوقی و تحقق عدالت را باید دولت فراهم کند. دولت عدالت‌محور، دولتی است که حداکثر سعی و

تلاش خود را برای احقاق حقوق شهروندان به کار می‌بندد و درصدد است تا با اداره مناسب و مطلوب امور و خدمات عمومی، عدالت اجتماعی را در جامعه بیش‌ازپیش تحقق و مجری سازد (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۵۲).

انتظارهای مشروع، به توقعات و خواسته‌های معقولی گفته می‌شود که در روابط متقابل اشخاص با کارگزاران عمومی و به‌ویژه مقام‌های دولتی، در اثر تقسیم‌ها، اعلام‌ها، سیاست‌ها و رویه‌های اداری و اجرایی ایجاد شده، به‌نحوی که انصراف از آنها یا عدم توجه به آنها، ضمن نقض توقعات معقول سابق، موجب ایراد خسارت یا سلب منفعت و امتیاز مخاطبان ذی‌نفع می‌شود؛ به این جهت، انتظارهای یادشده مستلزم نوعی حمایت حقوقی است (بهنیا، ۱۳۹۳: ۳۵).

مطابق این تعریف، مهم‌ترین پیامد حقوقی احترام به انتظار مشروع شهروندان، پیش‌بینی‌پذیر ساختن اوضاع و احوال و استقرار نوعی نظم اجتماعی است. قابلیت پیش‌بینی به شهروند امکان می‌دهد تا با اطلاع از تصمیم‌ها و اعلام‌های اداری موجود و برخورداری از آگاهی کلی نسبت به عواقب اعمال خویش، ضمن برنامه‌ریزی برای آینده، اهداف و ایده‌های خود را تعقیب کند (زارعی، ۱۳۸۰: ۲۵). تحلیل مسئولیت مدنی دولت براساس اصل انتظار مشروع در واقع انتظار شهروند از حاکمیت و دولت مسئول برای حمایت از شهروندان خویش در قبال خسارات وارده به ایشان است و از یک دولت مطلوب انتظار حمایت از شهروندان و جبران زیان ایشان در حوادث تروریستی و موارد مشابه می‌رود. براساس مبانی این تئوری دلیل لزوم جبران خسارت از سوی دولت در حوادث تروریستی و مسائل مشابه، انتظارات و خواسته‌های مشروع شهروندان است. بنابراین تئوری‌های جدیدی که در حقوق اداری و در بحث مسئله مسئولیت دولت در حال رشد است نیاز به شناسایی مسئولیتی جدید برای دولت را ضروری می‌کند.

۲-۳. نظریه همبستگی اجتماعی

برپایه این دیدگاه صرف‌نظر از اینکه ریشه ضرر چیست باید ضرر در بین عموم

مردم و دولت توزیع و دولت از طریق وصول مالیات خسارات وارده به افراد را تأمین و پرداخت کند (ریاحی، ۱۳۹۷: ۱۹۰) برخی از حقوق دانان معتقدند که نظریه مذکور در حقوق ایران قابلیت اجرا و اعمال دارد (امامی و استوار سنگری، ۱۳۸۷: ۳۷۰) با اعمال این مبنا می‌توان انتظار داشت که زیان‌هایی که در قبال حوادث تروریستی وارد می‌شود بین عموم مردم توزیع می‌شود. در تبیین این مبنا می‌توان گفت همبستگی اجتماعی برای جبران خسارت زیان‌دیده در اصل به وظیفه دولت مربوط می‌شود (دبستانی، ۱۳۷۶: ۱۴۰). جامعه به‌عنوان موجودی زنده است که در عین کثرت، از وحدت برخوردار است. آحاد جامعه به‌رغم اختلاف‌های نژادی، جنسیتی، مذهبی، فرهنگی و ... احساس همبستگی دارند. همین حس همبستگی است که آنان را به واکنش در قبال آلام و مصیبت‌های دیگران وادار می‌کند. آنگاه که بزه‌دیده نتواند از بزه‌کار، جبران خسارت خویش را دریافت کند، همبستگی اجتماعی آحاد مردم، اقتضا می‌کند که خسارت او جبران شود. اما برای اینکه همه جامعه در این میان سهم داشته باشند، این دولت است که از محل درآمدهای عمومی و از اموالی که به همه مردم متعلق است، خسارت زیان‌دیده را جبران می‌سازد.

به‌واقع اگر جامعه مدنی به جبران خسارت زیان‌دیده بپردازد، نتیجه آن است که همه مردم در این میان سهم نداشته‌اند، اما اگر دولت به نمایندگی از جامعه این کار را انجام دهد، همگان در این زمینه احساس نقش‌آفرینی را خواهند داشت. ژان ژاک روسو، در این خصوص با طرح نظریه قرارداد اجتماعی، بنیاد پیوستگی و همبستگی اجتماعی را در قرارداد نانوشته‌ای می‌داند که اعضای جامعه با یکدیگر دارند. وی معتقد است: همه اعضای جامعه به‌گونه‌ای با یکدیگر متعهد شده‌اند که همه استعدادها و توانایی‌های شخصی و فردی خود را برای حمایت همه‌جانبه از دیگران به‌کار بندند. به‌این ترتیب از حمایت‌های همه‌جانبه دیگران بهره‌مند خواهند شد. بنابراین، این تعهد دوسویه و قرارداد اجتماعی، عامل ایجاد و ضامن بقای همبستگی اجتماعی است.

۳. امکان سنجی مسئولیت دولت در جبران خسارت زیان دیدگان حوادث تروریستی براساس مبانی فقهی

در مباحث فقهی با عنایت به نوظهور بودن پدیده تروریسم، سابقه فقهی به طور صریح در این خصوص وجود ندارد و بحث تروریسم به صورت کلی آن هم تحت عنوان محاربه و اغتیال بررسی شده است. اما در خصوص سایر موارد که می توان از آنها مسئولیتی برای دولت در قبال قربانیان قائل شد، وحدت ملاک گرفته و استفاده می شود. در این خصوص دو قاعده فقهی را می توان به عنوان مبنای فقهی مسئولیت دولت در نظر گرفت:

۳-۱. قاعده لایبطل دم امر مسلم

این قاعده از قواعد معروف فقهی در باب دیات است به این معنا که اگر مسلمان محقون الدمی کشته شود و به هر دلیلی قاتل وی قصاص نشود؛ در هر صورت خون وی به هدر نمی رود و باید دیه نفس مقتول مسلمان در ازای آن پرداخت شود.

- بررسی مستندات قاعده

۱. صحیحۃ اول ابی بصیر در پاسخ پرسش که از امام صادق (ع) در خصوص حکم مردی که مرد دیگر را به عمد می کشد و فرار می کند و به او دسترسی نیست از ایشان چنین پاسخ می شنود: «اگر قاتل مال دارد از مالش دیه کامل گرفته می شود و الا از خویشان او به صورت الا قرب فالاقرب دیه اخذ می شود و اگر خویشاوندی نداشته باشد برعهده امام است که دیه او را پرداخت کند؛ زیرا خون مسلمان باطل نمی شود» (عاملی، ق ۱۴۱۶: ۳۹۵).

۲. امام صادق (ع) در پاسخ ابی بصیر در مورد پیدا شدن کشته ای در بیابان چنین می فرماید: «اگر در بیابانی کشته ای یافت شود و {قاتل شناخته نشود} دیه اش از بیت المال پرداخت می شود؛ زیرا امیرالمؤمنین (ع) می فرمود: خون مسلمان باطل نمی شود» (همان: ۱۴۹).

۳. در روایتی از امام باقر (ع) که در مورد دیوانه شدن قاتل عمدی از ایشان

پرسش شده بود می‌فرمایند: «اگر شهود شهادت دهند که قاتل در حین قتل سالم بوده و دیوانه نبوده است، قصاص می‌شود. ولی اگر به سلامت عقل او در حین ارتکاب قتل شهادت ندهند، اگر قاتل اموالی داشت از آن اموال دیه مقتول پرداخت می‌شود و به ورثه او داده می‌شود؛ در غیر این صورت، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود» (همان: ۷۲).

۲-۳. قاعده من له الغنم فعلیه الغرم

از نظر اصطلاحی غنم به معنای غنیمت، بهره و بازده بود و غرم به معنای خسارت، تاوان، ضرر، زیان و خرابی است. مطابق این عبارت به عنوان یک قاعده هرکس که از منافع و سود دارایی برخوردار است زیان و خطر دارایی را نیز برعهده دارد از آنجاکه بیت‌المال در مواردی از اشخاص منتفع می‌شود جبران خسارت ناشی از اعمال این‌گونه اشخاص نیز برعهده بیت‌المال است.

مراد از این قاعده این است که بین انتفاع از منافع یک شیء و پرداخت خسارت به‌بار آمده ملازمه وجود دارد؛ در نتیجه هرکس از هر امری منتفع شود، از خسارات ناشی از آن نیز متضرر می‌شود و خسارت برعهده او است.

۱-۲-۳. مستندات قاعده

۱. ابی ولاد از امام صادق (ع) درباره مردی که کشته شود و ولی دمی جز حکومت ندارد سؤال پرسید و چنین پاسخ شنید: «برای امام جایز نیست که عفو کند و او می‌تواند قصاص کند یا دیه بگیرد و آن را در بیت‌المال مسلمین قرار دهد؛ زیرا جنایت مقتول بر امام است و همچنین دیه‌اش برای امام مسلمین» (همان: ۱۲۴).

۲. روایت ابی ولاد در مورد جنایت کافر دمی مطابق فقه، اگر کافر دمی مرتکب جنایت خطایی محض شود، پرداخت دیه برعهده خودش است. اما اگر او مالی نداشته باشد، خویشاوندان او عاقله محسوب نمی‌شود و دیه برعهده ایشان نیست، باید از بیت‌المال پرداخت شود. امام صادق (ع) در مورد علت این حکم می‌فرمایند: «چون

کفار ذمی به حکومت جزیه می‌پردازند، پس حکومت متحمل پرداخت دیه جنایت او می‌باشد» (همان: ۳۹۱).

برای اثبات مسئولیت دولت در جبران خسارات غیرمنتسب به دولت از قبیل زیان‌های وارده به قربانیان حوادث تروریستی به روایات متعدد دیگری نیز می‌توان استناد کرد که همگی گواه بر پذیرش مسئولیت دولت در قبال شهروندان است در ذیل به نمونه‌هایی از این روایات اشاره می‌شود.

۱. حدیثی که شیخ کلینی آن را نقل کرده‌اند: «حسن گفت: هنگامی که حضرت علی علیه‌السلام طلحه و زبیر را شکست داد، مردم به زن آبستنی در راه گذشتند، او از ترس بچه‌ای را که در رحم داشت سقط کرد بچه پس از مدتی مرد و سپس مادر بچه نیز مرد. علی علیه‌السلام و اصحابش به او و فرزندش درحالی که بر راه افتاده بود برخورد کرد و از مردم درباره وی پرس‌وجو کرد گفتند که او آبستن بود هنگامی که جنگ و شکست را دید ترسید حسن گفت امام از ایشان پرسید کدام یک قبل از دیگری مرد، گفته شد پسر قبل از مادر مرد. حسن گفت: حضرت شوهر زن را خواست و او را وارث دو ثلث دیه فرزند و مادر بچه را وارث یک ثلث دیه فرزند کرد سپس شوهر را وارث نصف ثلث دیه کرد که همسرش از بچه‌اش به ارث برده بود و خویشاوندان زن را وارث نصف دیگر سپس شوهر را وارث نصف دیگر دیه زن کرد ۱۵۰۰ درهم بود، قرار داد. حسن گفت همه آنها را علی علیه‌السلام از بیت‌المال پرداخت کرد (میرداداشی به نقل از کلینی، ۱۳۹۲: ۱۳).

۲. محمد بن سلیمان نقل می‌کند خدمت حضرت رضا علیه‌السلام بودم مردی از جزیره از ایشان راجع به مدتی که خداوند می‌فرماید باید به مدیون مهلت داده شود پرسید (وان کان ذوعسره فنظره الی میسره) درحالی که طرف وام گرفته و بر اهل و عیال مصرف کرده نه غله‌ای دارد که رسیدن آن را انتظار بکشد نه از کسی طلبکار است و نه مال غایبی دارد که چشم به راه آن باشد حضرت فرمود بله منتظر می‌ماند به مقداری که خبرش به امام برسد و امام دین او را از سهم زیان دیدگان می‌پردازد (همان: ۱۳۴) روایاتی از این دست که دلالت بر توصیه ائمه به مسئولان حکومت

در مقابل مردم دارد فراوان است و از مجموع آنها می‌توان استنباط کرد که در فقه اسلام نیز دیدگاه کلی قبول تکلیف و مسئولیت حکومت در جبران خسارات وارده به مردم در مواردی که خسارت مستند به حکومت نباشد پذیرفته شده است در حقوق ایران با اتکا به قواعد و روایات مطروحه و مشابه می‌توان چنین استدلال کرد که تعهد دولت به جبران خسارت ناشی از تروریسم مبتنی بر نوعی مساوات و یاری رساندن به اشخاص است که به چنین حمایت‌هایی نیازمندند و می‌توان گفت که گاهی جبران خسارت مبتنی بر نوعی تعاون اجتماعی است (کاشانی، ق ۱۴۰۹: ۲۵۶). به نظر بعضی مبنای ضمان بیت‌المال است که خون مسلمان حرمت دارد و اموال نیز با خون او محترم است (مغربی، ۱۳۸۳: ۴۰۳) به همین دلیل در مواردی که فاعل مشخص نیست یا منهدم شده است و یا توان جبران ندارد؛ پرداخت خسارت برعهده بیت‌المال است. درنهایت می‌توان با تفسیر مذکور ضمان ناشی از حملات تروریستی را بر دولت تحمیل کرد.

با توجه و مذاقه در مبانی فقهی مطروحه، موارد جبران خسارت از بیت‌المال به‌وضوح مورد تأیید معصومان و به‌تبع آن فقهای اسلامی بوده و مبانی مطروحه قابل‌گسترش به موارد مشابه از جمله جبران خسارت زیان‌دیدگان حوادث تروریستی نیز است.

۴. چگونگی جبران خسارات (راهکارها و چالش‌ها)

در خصوص نحوه و چگونگی حمایت از اشخاص زیان دیده ابتدا به بررسی راهکارها و شیوه‌های حمایت از قربانیان و زیان‌دیدگان حوادث تروریستی در حقوق فرانسه می‌پردازیم که به عقیده نگارندگان سیستم حقوقی کارآمدی در این باره اتخاذ کرده و سپس به بررسی موضوع در حقوق ایران پرداخته می‌شود.

۴-۱. راهکارهای حمایت از زیان‌دیدگان حوادث تروریستی در فرانسه

در دو دهه گذشته کشور فرانسه شدیداً از حملات تروریستی آسیب‌دیده بود؛

حوادثی از قبیل قضیه لیون در سال ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ و حمله تروریستی در آستانه رقابت‌های جام جهانی فوتبال ۱۹۹۸ فرانسه و حمله تروریستی به جزیره کورس در نوامبر ۲۰۰۰ مواردی از این قبیل است. تمامی این موارد باعث حساسیت و عکس‌العمل‌های عمومی علیه تروریسم در کشور فرانسه شده بود و سبب شد برای پیشگیری از وقوع اقدام‌های تروریستی و همچنین یک روش جبران خسارت مطمئن برای قربانیان این حملات، با گسترش روابط و همکاری‌های بین‌المللی سیاستی قوی و محکم اتخاذ کند (Code des Assurances, Art 1126) علاوه بر این سیستم پیشگیرانه، کشور فرانسه یک سیستم جبران خسارت کارآمد برای جبران خسارات و صدمات ناشی از اقدام‌های تروریستی در نظر گرفته که این امر با تدارک یک صندوق جبران خسارت ویژه محقق گشته است (<http://www.fgti.fr>). این صندوق در خصوص خسارات بدنی و روانی، تدارک ضرر را به‌نحو کامل پیش‌بینی کرده است که شامل تمامی هزینه‌های درمانی و علاوه بر آن هزینه‌های جانبی از قبیل تهیه لوازم پزشکی و خدمات پرستاری و امکانات رفاهی دیگر می‌شود (Law of 6 July 1990, Art 26).

۱-۴-۱. آیین رسیدگی صندوق برای جبران خسارت

در این زمینه آیین دادرسی ویژه‌ای وجود دارد که براساس آن، زمانی که یک حمله تروریستی اتفاق می‌افتد، دادستان کل رسیدگی را شروع می‌کند و باید اطلاعات مربوطه را به صندوق جبران خسارت برای آمادگی گزارش دهد و چنانچه حمله تروریستی در خارج از خاک فرانسه رخ داده باشد و اتفاقی برای اتباع فرانسه رخ بدهد، این وظیفه برعهده سفیر است. لیست قربانیان باید ظرف ۴۸ ساعت آماده و تسلیم صندوق شود. تمامی زیان دیدگان و بازماندگان آنها برای دریافت خسارت می‌توانند مستقیماً و بدون مراجعه به دادگاه، برای دریافت خسارت به صندوق مراجعه کنند (The Experience of the French civil code, 1995: 273).

علاوه بر این سیستم حمایتی، قانونگذار فرانسه در بند «۳» ماده (۷۰۶) قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطه کلی جبران خسارت زیان دیدگان اعمال مجرمانه را

ارائه می‌دهد. براساس ماده مذکور (هر شخص که متحمل خسارات ناشی از اعمال عمدی یا غیرعمدی مجرمانه سایرین شود، می‌تواند ترمیم کامل خساراتی را که مربوط به لطمات علیه اشخاص است را به‌دست آورد) (استفانی و همکاران، ۱۳۷۷: ۳۳۰).

۲-۴. حمایت از زیان‌دیدگان حوادث تروریستی در حقوق ایران

با تحقیق و بررسی در قوانین ایران، معلوم می‌شود که همانند حقوق فرانسه صندوق مستقل و آیین دادرسی ویژه‌ای در این خصوص برای زیان‌دیدگان حوادث تروریستی وجود ندارد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به‌صورت پراکنده در مواد (۴۷۳) و (۴۸۷) به مواردی که شخص بر اثر ازدحام کشته شود و قاتل معلوم نباشد یا شخصی براساس اجرای وظایف قانون مأمور دولت به‌طور اتفاقی کشته شود، تدارک دیه از بیت‌المال را پیش‌بینی کرده و در ماده (۲۱) قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه نیز صندوقی به نام صندوق تأمین خسارات بدنی پیش‌بینی شده است که عندالاقضا نسبت به جبران خسارات اقدام کند؛ ولی به‌طور کلی در زمینه حمایت از قربانیان حوادث تروریستی نهاد مجزا و حمایتی به چشم نمی‌خورد.

با ملاحظه قانونگذاری اخیر کشور فرانسه در خصوص حمایت از قربانیان حوادث تروریستی، پیش‌بینی صندوقی تحت عنوان صندوق جبران خسارت و امکان مراجعه مستقیم زیان‌دیدگان به صندوق، اقدام حمایتی مؤثری است که در راستای جبران خسارت زیان‌دیدگان بسیار مؤثر است و همچنین پیش‌بینی آیین دادرسی ویژه مشکلات عملی را نیز در این خصوص برطرف می‌کند. به‌نظر می‌رسد که استفاده از تجربه کشور فرانسه و پیش‌بینی چنین صندوقی در سیستم قضایی و اداری ما نیز می‌تواند مؤثر و راه‌گشا باشد و از طرفی نظام حقوقی ما نیز به‌طور کلی با موضوع بیگانه نبوده و پیش‌بینی صندوقی مشابه تحت عنوان صندوق تأمین خسارت‌های بدنی (ماده (۲۱) قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث

ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵) نیز مؤید این ادعا است.

۵. جمع بندی و نتیجه گیری

یافته‌های تحقیق بدین شرح است:

۱. با وجود مبانی متعددی که در جهت مسئولیت مدنی دولت در قبال جبران خسارت زیان دیدگان تروریستی ارائه شد؛ می‌توان گفت این مبانی به دو دسته، حقوقی و اجتماعی و اخلاقی تقسیم می‌شود.
۲. با عنایت بر اینکه تحلیل جبران خسارت دولت براساس مبانی مسئولیت مدنی مواجه با ایرادهایی است که مهم‌ترین آنها مشکل در احراز رابطه سببیت بین زیان وارده و فعل زیان بار است بنابراین پیشنهاد مبنای دیگری مبتنی بر اصول و مبانی اجتماعی و اخلاقی در جهت مسئولیت دولت در قبال زیان دیدگان حوادث تروریستی توصیه می‌شود. با بررسی تئوری‌های دولت رفاه، همبستگی اجتماعی و تئوری اصل انتظار مشروع، برای تبیین مسئولیت دولت در قبال زیان دیدگان حوادث تروریستی، به نظر می‌رسد که مسئولیت‌های اجتماعی کارآمدتر و منطبق با حمایت از حقوق زیان دیدگان است.
۳. ماهیت مسئولیت دولت در قبال جبران خسارات قربانیان تروریستی براساس مبانی حقوقی مسئولیت دین نیست و براساس قواعد اجتماعی تکلیف در جبران خسارات توجیه می‌شود.
۴. همان‌گونه که ملاحظه شد در نظام حقوقی ایران سیستم جبران خسارتی شبیه آنچه که در نظام حقوقی فرانسه پیش‌بینی شده وجود ندارد و تنها در برخی موارد خاص پرداخت غرامت از بیت‌المال پیش‌بینی شده که آنها هم به زیان دیدگان و قربانیان تروریستی اختصاص ندارد.
۵. از نظر فقهی مسئولیت دولت در قبال جبران خسارات قربانیان حوادث تروریستی براساس قواعد لایبطل دم امر المسلم و من له غنم فعلیه غرم قابل توجیه است.

پیشنهادها

۱. پیشنهاد می‌شود با عنایت بر نظریه برگزیده در این مقاله (مبانی اجتماعی مسئولیت دولت) قانونگذار به شناسایی این مبنا در راستای هماهنگی با مقررات بین‌المللی با وضع قوانین متناسب و گسترش بیمه‌های حمایتی و تأمین اجتماعی در سطح جامعه اقدام کند.
۲. با بررسی سیستم حقوقی فرانسه که اقدام‌های حمایتی از زیان‌دیدگان و قربانیان حوادث تروریستی را در دستور کار خویش قرار داده است؛ پیشنهاد می‌شود قانونگذار ایران نیز با وضع قوانین در راستای حمایت از این قبیل قربانیان با ایجاد سیستم حمایتی قوی از قبیل تأسیس صندوق ویژه و سایر اقدام‌ها نظیر پرداخت غرامت و مستمری و هزینه‌های پزشکی و جبران زیان معنوی در تسکین آلام زیان‌دیدگان و بازماندگان اقدام کند.
۳. پیش‌بینی آیین دادرسی ویژه به‌منظور اجتناب از اطاله دادرسی و امکان مراجعه مستقیم زیان‌دیده یا بازمانده به صندوق برای دریافت غرامت ضروری است.
۴. پیشنهاد می‌شود مجلس در تصویب بودجه سالیانه مبلغی را برای زیان‌دیدگان احتمالی این قبیل حوادث واریز و برای عدم تحمیل هزینه به دولت؛ می‌توان برای وجه اختصاص یافته به تأسیس سازمان سهامی در راستای حمایت از قربانیان این قبیل حوادث اقدام کرد که دارای درآمد مستقل است (همچون سازمان تأمین اجتماعی).
۵. پیشنهاد می‌شود قضات محاکم در رسیدگی به پرونده‌های با موضوع‌های مشابه از ظرفیت اصول سوم و بیست‌ونهم قانون اساسی در راستای جبران خسارت زیان‌دیدگان استفاده کرده و نسبت به قبول دعاوی علیه دولت اقدام کنند.

منابع و مأخذ

۱. آبراهامز، جی.اچ (۱۳۶۹). *مبانی رشد و جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن پویان، جلد دوم، تهران، انتشارات چاپخش
۲. احمدی، خلیل (۱۳۹۴). «مسئولیت دولت در بلایای طبیعی»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران.
۳. استفانی، گاستون و همکاران (۱۳۷۷). *آیین دادرسی کیفری*، ترجمه حسن دادبان، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۴. امامی، محمد و کوروش استوار سنگری (۱۳۸۷). *حقوق اداری*، جلد اول، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۵. باریکلو، علیرضا (۱۳۹۳). *مسئولیت مدنی*، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان.
۶. بهنیا، مسیح (۱۳۹۳). *اصل انتظار مشروع*، تهران، انتشارات خرسندی.
۷. جعفری تبار، حسن (۱۳۹۴). «کاتوزیان و حقوق زیان، تحلیل نظریه مسئولیت مدنی و نگاه کاتوزیان به آن مندرج»، در کتاب *بر منهج عدل*، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۳). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران، انتشارات گنج دانش.
۹. ----- (۱۳۸۶). *ترمینولوژی حقوق*، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۰. حبیب‌نژاد، سیداحمد و مرضیه سلمانی (۱۳۹۹). «نسبت‌سنجی نظریه دولت رفاه و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در حوزه فقرزدایی»، *فصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، سال دوم، ش ۵.
۱۱. داراب‌پور، مهرباب (۱۳۸۲). *مسئولیت‌های عام مدنی، مسئولیت برای جبران خسارات وارده*، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. دبستانی، پوپک (۱۳۷۶). «حمایت از بزه‌دیده در نظام کیفری انگلستان و ویلز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. دلماس مارتی، میری (۱۳۹۳). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، چاپ سیزدهم، تهران، نشر میزان.
۱۴. رحیق اغصان، علی (۱۳۸۴). *دانشنامه در علم سیاست*، تهران، فرهنگ صبا.
۱۵. ریاحی، نوربخش (۱۳۹۷). «مبانی نظری مصونیت و مسئولیت مدنی دولت»، *حقوق اسلامی*، سال پانزدهم، ش ۵۸.
۱۶. زارعی، محمدحسین (۱۳۸۰). «حقوق اداری تطبیقی»، جزوه درسی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد تهران مرکز.
۱۷. زاهدی اصل، محمد (۱۳۸۱). *مبانی رفاه اجتماعی*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۸. زرگوش، مشتاق (۱۳۸۹). *مسئولیت مدنی دولت*، جلد اول، تهران، نشر میزان.
۱۹. زین‌الدینی، امین (۱۳۹۸). «مسئولیت نیابتی تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس»، *فصلنامه بین‌المللی*

- قانون یار، دوره ۳، ش ۱۰.
۲۰. عاملی، حر (۱۴۱۶ ق). *وسائل الشیعه*، جلد بیست و نهم، چاپ سوم، مؤسسه آل البیت (ع).
۲۱. غمامی، مجید (۱۳۷۶). *مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود*، تهران، نشر دادگستر.
۲۲. فولادی، مجید و همکاران (۱۳۸۷). «مبانی تفویک دولت رفاه از دیدگاه پوپر»، *مجله علوم اجتماعی* (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد)، سال پنجم، ش ۱۱.
۲۳. قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۸). *مبانی مسئولیت مدنی*، تهران، نشر دادگستر.
۲۴. قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل (۱۳۶۸). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۵. قلی‌پور، رحمت‌اله (۱۳۸۷). *حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت*، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). *الزام‌های خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی)*، جلد اول، چاپ سیزدهم، انتشارات گنج‌دانش.
۲۷. ----- (۱۳۷۷). *مبانی حقوق عمومی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. کاشانی، ابوبکر محمد بن مسعود (۱۴۰۹). *بدائع الصنایع*، جلد هفتم، پاکستان، مکتب الحیبییه.
۲۹. لازرژ، کریستین (۱۳۸۲). *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان.
۳۰. مغربی، نعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن (۱۳۸۳). *دعائم الاسلام*، جلد دوم، چاپ اول، دایرةالمعارف.
۳۱. میرداداشی، سیدمهدی (۱۳۹۲). «مبانی فقهی مسئولیت مدنی دولت»، *مجله حقوق اسلامی*، سال دهم، ش ۲۷.
۳۲. وحدتی شبیری، سیدحسن و احسان سامانی (۱۳۹۵). «مسئولیت مدنی دولت در دستورالعمل حکومتی امیرالمومنین»، *مجله دین و قانون*، ش ۹.

33. Code des Assurances, Art. 1126-2, 1422to1422-5

34. Desideri, Jean-Pierre (2000). *La Précaution en Droit Privé*, Ecueil Dalloz.

35. <http://www.fgti.fr>

36. <http://www.Esteri.it> "law of 6july1990, art263"

37. Martin, Gilles J. (2005). *Principe de Précaution, Prévention des Risques et Responsabilité: Quelle Novation, Quel Avenir?*, AJDA.

38. Martini, Philippe and Karine Losfeld (2000). "Droit des Obligations", 1^é.éd. Librairie Vuibert.

39. Maugüé, Christine and Touvet Laurent (1993). *Responsabilité de la Puissance Publique En matière Hospitalière*, AJDA.
40. Pignerol, Bernard (2005). *Responsabilité et Socialisation du Risque*, AJDA.
41. Renoux, Thierry S. and André Roux (1993). *Responsabilité de l'Etat et Droits des Victimes d'actes de Terrorisme*, AJDA.
42. Rouyère, Aude (2007). "Principe de Précaution et Responsabilité Civile des Personnes Publiques", Recueil Dalloz.
43. Slim, Hadi (2004). "Responsabilité Civile Délictuelle En Droit International Privé", Juris Classeur Responsabilité Civile et Assurances, Fasc.
44. Terneyre, Philippe and Bon Pierre (1994). "La Responsabilité de l'Etat en cas de Faute Commise par des établissements de Transfusion Sanguine (contamination d'hémophiles par le virus du Sida)", Recueil Dalloz.
45. The Experience of the French Civil Code (1995), *Journal of International Law*, 273.
46. Vincent, François (2010). "Responsabilité De La Puissance Publique. Responsabilité Sans Faute", Juris Classeur Responsabilité Civile et Assurances.
47. Viney, Geneviè (2007). "Principe de Précaution et Responsabilité Civile des Personnes Privées", Recueil Dalloz.